

بهانه ثبت ۱۷ مرداد در تقویم خورشیدی به نام روز خبرنگار، حمله تلخ و تروریستی طالبان در سال ۱۳۷۷ به کنسولگری ایران در مزارشریف افغانستان است که به شهادت محمود صارمی، خبرنگار ایرنا منجر شد. در همین راستا، روزنامه ایران در گفت‌وگوهایی مجزا با خبرنگاران و روزنامه‌نگاران با تجربه در این عرصه، این پرسش را مطرح کرده است که روزنامه‌نگار واقعی کیست، مشکلات و دغدغه این صنف چیست و چه چشم‌اندازی به آینده حرفه‌ای این حوزه دارند.

#### حفظ جایگاه روزنامه‌نگاری

«آینده شغلی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران از وضع عمومی جامعه جدا نیست. خبرنگاران هم مانند کارگران و کارمندان ساده، در مضیقه معیشت هستند و مثل دیگر اقشار جامعه دغدغه عدالت اجتماعی را دارند.»
این را فریدون صدیقی، روزنامه‌نگاری می‌گوید که از سال ۱۳۵۱ پا به عرصه مطبوعات گذاشت. فریدون صدیقی، برای اهالی رسانه نامی آشنا و قابل احترام است؛ کسی که در عرصه‌های مختلف روزنامه‌نگاری فعالیت‌ی اثرگذار داشته است. این استاد روزنامه‌نگاری درباره شغل روزنامه‌نگاری و خبرنگاری به «ایران» می‌گوید: «روزنامه‌نگار کسی است که در چهارچوب منافع و مصالح ملی برای تحقق آنچه که وظیفه اوست، تلاش کند، بدون آنکه برای وظیفه قانونی و حق رسمی که دولت بر دوش او گذاشته است بچکند، اعتراض یا تظاهرات کند. اما متأسفانه در چند سال اخیر به دلایل عدیده‌ای این موضوع نادیده گرفته شده است. در این صورت می‌توان گفت روز خبرنگار وقتی معنا دارد که خبرنگار بتواند به وظیفه‌های که در رسانه برای او تعریف شده است عمل کند.»

او با بیان اینکه امروزه رسانه‌های ما اعم از رادیو، تلویزیون و مطبوعات مرجعیت و جایگاه خودشان را از دست داده‌اند به «ایران» می‌گوید: «زمانی که رسانه‌های ما مطالبات ۸۰ میلیون مخاطب؛ حدود ۵/۵ میلیون دانشجو، حدود ۱۱ میلیون دانش‌آموز، سه میلیون دبیر آموزش و پرورش و ۵۰۰ هزار نفر اساتید دانشگاه و دیگر طبقات اجتماعی را منعکس نکنند و بازتاب دهنده صدای مردم نباشند، به تدریج از مرجعیت آنها کاسته می‌شود و مخاطب کم‌کم به سوی رسانه‌های بیگانه کوچ می‌کند که بازتاب دهنده صدای آنهاست.» به گفته این استاد دانشگاه، مهم‌ترین مشکلی که در حال حاضر خبرنگاران

### گزارش

#### مرجان قندی

گروه گزارش

بازنگری دنیایی پرشور و هیجان‌انگیز است؛ بخصوص که ما تنها نیمه عیان آن را می‌بینیم؛ گاه غافل از این که در جهان پشت هر صحنه سینمایی که مخاطب می‌بیند، چالش‌هایی نهفته است که بسیاری از آن بی‌خبرند. بازیگران برای ایفای نقش‌های شان گاه از منطقه امن خود خارج می‌شوند و سختی‌های جسمی و روحی بسیاری را به جان می‌خرند. نمونه‌ای بارز از این تعهد، کریستین بیل، بازیگر بریتانیایی است که به دلیل تغییرات چشمگیر جسمانی اش در نقش‌های مختلف شهرت دارد. او برای فیلم "The machinist" (ماشین چی) حدود ۳۰ کیلو وزن کم کرد و سپس برای ایفای نقش "بنمن" نزدیک به ۴۵ کیلو وزن اضافه کرد تا به اندام مورد نظر برای این شخصیت برسد. در سینمای ایران نیز نمونه‌هایی از این فداکاری دیده می‌شود. اخیرا علی نفیسی برای نقش «مک‌ماهون» در سریال سوشون ۶۲ کیلوگرم وزن اضافه کرد و پس از آن برای نقش «نصیر» در سریال «بامداد خمار» دوباره وزن خود را کاهش داد. طبق گزارش‌ها، این تغییر وزن رکورد جهانی افزایش وزن برای ایفای نقش را شکسته است. با این حال، نفیسی این تحول را صرفاً یک تغییر فیزیکی نمی‌داند، بلکه آن را سفری روحی برای رسیدن به عمق شخصیت می‌خواند.

زورده به نقش‌های پیچیده، تجربه احساسات شدید و گاهی دردناک، می‌تواند تأثیرات روانی عمیقی بر بازیگر بگذارد. همچنین، انتظارات بالا از سوی کارگردان، مخاطب و رسانه‌ها، فشار مضاعفی ایجاد می‌کند. سریال پر مخاطب «سوشون» اقتباسی از رمان شاخص سیمین دانشور، نه فقط یک روایت تاریخی بلکه بازتابی از پیچیدگی‌های هویت ایرانی در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی است. نفیسی که پیش‌تر در آثار سینمایی و تئاتری متعددی حضور داشته و همکاری‌های موفقی با نرگس آبیار را در کارنامه خود

### درباره خبرنگارانی که همیشه خواسته‌اند چشم و گوش مردم باشند

# جان سخت‌ها!

### گزارش خبری

#### نیلوفر منصوری

گروه گزارش

یکی روزنامه‌نگاری را «دردسر» می‌داند و دیگری کار روزنامه‌نگاری را به «چشم و گوش مردم بودن» تشبیه می‌کند؛ خصلتی درونی که از حس کنجکاوی و ممارست برمی‌خیزد. یکی دیگر معتقد است، روزنامه‌نگاری، «تایاندن نور بر وجه تاریک مسائل» است. آن یکی می‌گوید: «روزنامه‌نگاری، حرفه عجیبی است اگر چشم و گوش مردم نباشیم یک دستگاه ضبط صوت و یک دستگاه تایپ توأمان هستیم که



عکس: بابوالفضل حسینی / ایران

آب در هاون کوفتن
زهارا رفیعی، روزنامه‌نگار با تجربه، عاشق کار روزنامه‌نگاری است اما بعد از ۲۵ سال فعالیت در این عرصه، به «ایران» می‌گوید، اگر به عقب برگردد شاید آن را انتخاب نکند. او که تجربه حضور در حوزه‌های مختلف اجتماعی امروز اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر روزنامه‌نگاری ما بموقع هشدار می‌دادند و تحلیل می‌کردند، فساد و بحران در جامعه شکل نمی‌گرفت. هشدار و اطلاع‌رسانی بموقع در زمینه حفر جاه‌ها در جای جای کشور، اکنون کشور را درگیر فرونشست زمین نمی‌کرد.

یک عمر برای تغییر کافی نیست و باید سال‌ها و بلکه نسل‌ها بگذرد تا تغییرات بزرگ و خوبی اتفاق بیفتد. در حوزه محیط زیست هم همین گونه است و برای رسیدن به نقطه مطلوب راه بسیار زیادی در پیش است.» به اعتقاد او «رسالت روزنامه‌نگاری، تایاندن نور بر وجوه تاریک مسائل است. پیدا کردن دریچه امید برای همه افراد در حوزه‌های مختلف و تلاش برای رساندن افراد جامعه به حقیقت و رساندن صدای آنها بخصوص طبقاتی که صدایشان شنیده نمی‌شود به گوش مسئولان و همگان است. به عنوان

این روزنامه‌نگار، حرفه روزنامه‌نگاری تحول بسیار زیادی خواهد کرد و شاید دیگر این حرفه، از دل دانشکده‌های روزنامه‌نگاری بیرون نیاید و آینده آن از راه دیگری تأمین شود.» رفیعی، معتقد است وجهه خبرنگاری و روزنامه‌نگاری در گذشته بهتر از امروز بود و شاید دلیل آن فراگیر نبودن و در دسترس نبودن اینترنت باشد؛ «با فراگیری اینترنت، مردم به صورت مستقیم خبرها را دنبال می‌کنند، اما متأسفانه بسیاری از اخبار درگیر فیک‌نیوزها و شبه‌علم‌ها هستند. این در حالی است که استفاده از شبکه‌های اجتماعی نیازمند مهارت و سواد رسانه‌ای است و متأسفانه با اینکه بسیاری از مردم این مهارت‌ها را ندارند حتی این مطالب را بازنشر هم می‌کنند.»

#### خبرنگار چشم و گوش مردم است

سمیرا عالم پناه فارغ التحصیل رشته خبرنگاری و عاشق کار خبرنگاری است و بعد از ۱۴ سال کار در این عرصه، امروز با عشق از این پیشه دفاع می‌کند. او که خبرنگار حوزه سیاسی است به «ایران» می‌گوید: «کار واقعی خبرنگاری چشم و گوش بودن مردم است و باید به دور از هر شعارزدگی، گره از مشکلات مردم باز کنیم. اگر غیر از این باشد یک دستگاه تایپ هستیم که فقط حرف‌ها را تایپ می‌کند. امیدوارم که روزی این اتفاق برای خبرنگاران نیفتد.» به اعتقاد او خبرنگار دقیقاً مصداق ضرب‌المثل معروفی است که می‌گوید «سری که درد نمی‌کنه دستمال نمی‌بندند» خبرنگار همانی است که برای دنبال دردرس رفتن، به سرش دستمال می‌بندد.

او چشم‌انداز خاصی برای آینده این حرفه متصور نیست و معتقد است که پیش‌بینی کردن آینده این حرفه به خصوص در کشور ما سخت است. عالم پناه می‌گوید: «از طرف دیگر تکنولوژی پیشرفت کرده و یکی از حرفه‌هایی که می‌گویند شاید در سال‌های آینده به واسطه هوش مصنوعی دستخوش تغییرات است و چون همین حرفه خبرنگاری است و چون در کشور ما آموزش برای خبرنگاران یا وجود ندارد یا همراه با پیشرفت تکنولوژی نیست خیلی نمی‌شود به آینده این شغل امیدوار بود.»

#### خبرنگار ورزشی و سخت جانی

مهدی همدانی، روزنامه‌نگار ۴۴ ساله، کار حرفه‌ای خود را از سال ۷۷ آغاز کرده و اکنون در روزنامه خبر ورزشی قلم می‌زند. او باور دارد که کار روزنامه‌نگاری نیاز به ممارست و پیگیری دارد، به همین

دلیل به «ایران» می‌گوید: «تلاش، سخت‌کوشی و مبارزه برای کشف حقیقت است که موجب شده خودمان را به این ساختار تحمیل کنیم. اما بعد مهم‌تر از آن توانایی خبرنگار است.» او معتقد است که بیش از ۹۰ درصد خبرنگاران ورزشی نویس به دلیل فضای کار، سرعت یادگیری، گستردگی و استرس کار می‌توانند در حوزه‌های دیگر و با اشخاص دولتی و خاص مصاحبه و به عنوان خبرنگار موفق می‌توانند اخبار و گزارش‌های سفرهای مقامات سیاسی را به بهترین شکل ممکن مخابره کنند. چون وقتی وارد استادیوم می‌شوند باید همزمان، نگاهشان به متن، حاشیه، صفحات روزنامه و بموقع رساندن اخبار باشد..

او به مشکلات و دغدغه‌های این حوزه می‌پردازد و می‌گوید: «مشکلات و دغدغه‌های خبرنگاران و روزنامه‌نگاران کاملاً واضح است. یکی از مشکلات بخش خصوصی وضعیت کاغذ است. حضور بی‌ضابطه کانال‌های مختلف بدون مجوز در فضای مجازی که فیلترکردن فضای مجازی نیست، اما این موضوع به مخاطب رسانه واقعی صدمه وارد می‌کند. بسیاری مواقع پیش می‌آید که شهروند رسانه یا فیک‌نیوزها، اخبار دروغ را منتشر می‌کنند و آن خبر یا گزارش با عنوان خبر یک رسانه رسمی در فضای مجازی و جامعه دست به دست و منتشر می‌شود.»

همدانی می‌گوید: «تعدد رسانه‌ها مهم نیست، مهم این است که رسانه رسمی دارای شناسنامه و هویت باشد. کانال‌های بی‌شناسنامه و بدون مجوز به راحتی هر چه خواهند منتشر و در اغلب موارد به رسانه‌ها توهین می‌کنند و درسر آن دامنگیر خبرنگار واقعی می‌شود. بارها پیش آمده که اهالی فوتبال با روزنامه ما تماس گرفته و از انتشار مطالبی اظهار ناراضایتی و گله‌مندی کرده‌اند و وقتی بررسی شده متوجه شده‌ایم که کانال‌ها و صفحات جعلی به اسم روزنامه ما وجود دارند که مدیران این رسانه از آن بی‌اطلاع هستند. این موضوع برای هر رسانه‌ای ممکن است پیش بیاید که موجب دردسر است.» به گفته او در حال گذراندن روزهای سختی هستیم و روزهای سختی را در انتظاران است: «به قول شاعر؛ شب‌های هجر را گذراندم و زنده‌ایم/ ما را به سخت‌جانی خود این گمان نبود»

#### رکوردشکنی هدفم نبود

نفیسی با اشاره به تغییرات چشمگیر فیزیکی اش برای ایفای نقش «مک‌ماهون» در سریال سوشون می‌گوید: «برای این نقش، ۶۲ کیلو وزن اضافه کردم؛ فرآیندی که طی دو سال و با همراهی متخصصان تغذیه و سلامت انجام شد. در پروژه‌های بعدی، وقتی با همکاران که از تغییرات ظاهری من تعجب می‌کردند، صحبت می‌کردیم، فهمیدم بجز ستاره‌هایی از ایران، مثل رضا کربانی، در هالیوود هم کریستین بیل برای ایفای نقش در فیلمی تغییر وزنی پنجاه کیلویی داشته است. مجموع اضافه وزن من شصت و دو کیلو بوده که کمی بیشتر از افزایش وزن این ستاره‌های بازیگری است و اگر این اتفاق بی‌رکورد باشد، خوشحالم که این رکورد از هالیوود به سینمای ایران آمده است. اما در آن زمان، اصلاً به شکستن رکورد جهانی فکر نمی‌کردم و حالا هم چنین چیزی اولویت نیست. در جهانی چندصدایی، تمرکز صرف بر خود یا تلاش برای اول بودن، به‌نظر سطحی وزرد است. چالش اصلی برای من، نه تغییر ظاهر بلکه ورود به دنیای درونی کاراکتری بود که از نظر فرهنگی و زبانی برایم کاملاً ناآشنا بود.»



نفیسی در نقش «مک‌ماهون»، سریال «سوشون» | نفیسی در نقش «نصیر»، سریال «بامداد خمار» |

سخت می‌گیرم و مهم‌تر از همه، با حفظ آموزش پذیری، سعی در حفظ و ایجاد ارتباط و گفت‌وگو دارم. خودم را لذتی بالاتر دارم. حتی اگر ریس از یک سال تمرین روی یک پروژه تئاتری، آن کار اجرا نشود، خودم را بازنده تلقی نمی‌کنم. بلکه آن را اندوخته‌ای برای آینده می‌دانم؛ اندوخته‌ای زیستنی که روزی با یک ارزش افزوده، به کارم خواهد آمد.» او درباره تجربه‌های شخصی‌اش برای رشد در حرفه بازیگری می‌گوید: «رسان می‌خوانم، نقاشی‌های خوب می‌بینم، مد تیشن می‌کنم، به دیسپلین زندگی فیزیکی و روحی‌ام

بازیگران برای ایفای نقش‌ها می‌گویند: «دیده شدن برایم لذت دارد و آن را انکار نمی‌کنم؛ اما کشف و آشود شدن در هنر، لذتی بالاتر دارد. حتی اگر ریس از یک سال تمرین روی یک پروژه تئاتری، آن کار اجرا نشود، خودم را بازنده تلقی نمی‌کنم. بلکه آن را اندوخته‌ای برای آینده می‌دانم؛ اندوخته‌ای زیستنی که روزی با یک ارزش افزوده، به کارم خواهد آمد.» او درباره تجربه‌های شخصی‌اش برای رشد در حرفه بازیگری می‌گوید: «رسان می‌خوانم، نقاشی‌های خوب می‌بینم، مد تیشن می‌کنم، به دیسپلین زندگی فیزیکی و روحی‌ام

پرده نقره‌ای سینما. باید سختی‌هایش را به جان بخری تا بهترین ارائه شود.» این هنرمند درباره بازخورد‌های پس از بخش «سوشون» نیز با فروتنی می‌گوید: «بازخورد‌های بسیار خوبی دریافت کردم، حتی از اسطوره‌های بازیگری کشور که در ابراز عشق خسیس نبودند. در پاسخ به عشق آن‌ها، جز تشکر چیزی نداشتم. فقط توانستم بگویم؛ اگر خوب بودم، اعتبارش از لطف خدا، هدایت کارگردان و تلاش تیم بوده است.»

#### تجربه‌هایی ارزشمند با آبیار

نفیسی که آخرین همکاری‌اش با نرگس آبیار در سریال «بامداد خمار» بوده همکاری با این کارگردان را تجربه‌ای عمیق و تأثیرگذار می‌داند. او درباره این همکاری‌ها می‌گوید: «پس از «شیار ۱۳۴»، «نفس» و «ابلق»، «سوشون» پنجمین تجربه مشترکم با خانم آبیار بود. بعد از چند همکاری میان ما زبان ارتباطی خاصی شکل گرفته بود. او گشتالتی می‌اندیشد؛ یعنی به کلیت اثر و مناسبات میان اجزای آن توجه دارد. آثارش بین‌مایه‌ای خاص دارند و اغلب از جنبش‌های اجتماعی جلوتر حرکت می‌کنند. فکر و گوشش برای شنیدن ایده‌ها باز است و خلاقیت بازیگر را سرکوب نمی‌کند.»

این بازیگر نقش‌هایی را انتخاب می‌کند که برایش ناشناخته و چالش‌برانگیز باشند؛ نقش‌هایی که از آنچه خود می‌پندارد هست، فاصله داشته باشند تا بتوانند نقاب‌های پنهان وجودش را آشکار کند.

او درباره معیارهای رد نقش می‌گوید: «هنر باید کاری برای انسان و جهانش بکند. اگر چنین نباشد، صرفاً محصولی کارخانه‌ای است. من نقش را و جب نمی‌کنم و اندازه نمی‌گیرم، چون معتقدم مناسبات میان عناصر سازنده، یک کل بزرگ‌تر را شکل می‌دهند.» نفیسی درباره دیده‌نشدن فداکاری‌های



#### طبق

#### گزارش‌ها

#### این تغییر وزن

#### رکورد جهانی

#### افزایش

#### وزن برای

#### ایفای نقش

#### را شکسته

#### است. با این

#### حال، نفیسی

#### این تحول

#### را صرفاً یک

#### تغییر فیزیکی

#### نمی‌داند،

#### بلکه آن را

#### سفری روحی

#### برای رسیدن

#### به عمق

#### شخصیت

#### می‌خواند